

نگاهی به سرگذشت ناشنیده یکی از مزارع قدیمی و نام‌آشنای جنوب شهر که اکنون در خاطره مردم مشهد، جز نام یک میدان نیست

«تقی‌آباد»، خفته در غبار فراموشی



مرضیه ترابی| بعضی نقاط شهر مشهد هستند که در عین شهرت، در تاریخ گم شده‌اند و اثری از آثارشان نیست؛ انگار هرچه داشته‌اند، جایی در پیچ و خم‌های گذشته، به پوته فراموشی سپرده شده و فقط یک نام، با همه بزرگی و شهرتش، تا این سوی تاریخ را لنگ‌لنگان طی کرده است. یافتن هویت و تاریخ چنین اماکنی، در عین شهرت و سهل بودن ظاهری‌شان، بسیار دشوار است. حال، این وضعیت را بگذارید کنار تکراری بودن نام و شباهت اسمی اماکن. تا دریابید یا چه چالشی رویه‌رو هستید. قصه مزرعه «تقی‌آباد، هم روایتی از همین جنس است. فکرش را بکنید که طبق گزارش جاعلی رزم‌آرا در جلد نهم کتاب «فرهنگ جغرافیایی ایران»، در سال ۱۳۲۹ خورشیدی، فقط در استان خراسان بزرگ، سیزده روستا و مزرعه با نام تقی‌آباد شناخته می‌شد که دست‌کم شش روستای آن در اطراف شهر مشهد بود. حالا این وسط چطور باید سابقه تاریخی تقی‌آبادی را یافت که امروزه بخشی از آن تبدیل به میدان دکتر علی‌شریعتی شده، اما در حافظه تاریخی مردم مشهد هنوز هم نامش «فلکه تقی‌آباد، است؟! به‌همین دلیل، در بررسی اسناد قدیمی مربوط به تقی‌آباد، باید همیشه ضربیی از احتیاط را در نظر گرفت و با قطعیت و یقین سخن نگفت؛ مگر آنکه آنچه به دست آمده است از نظر استنادی چنان استوار باشد که توان در آن تشکیکی روا دانست. با چنین مقدمه‌ای، می‌خواهم به سراغ پیشینه‌ای خفته در غبار فراموشی بروم؛ پیشینه مزرعه قدیمی تقی‌آباد.

- سیمای حدودی تقی‌آباد قدیمی

هرچند درباره وضعیت مزرعه تقی‌آباد اطلاعات دقیقی نداریم، می‌توان برخی شواهد تاریخی را به‌عنوان عوامل شکل دادن به ساختار تاریخی این مزرعه در نظر گرفت. تردیدی نیست که آب مورد نیاز این مزرعه از قناتی اختصاصی تأمین می‌شده که از بالادست به سوی اراضی تقی‌آباد جریان داشته است. این قنات احتمالا از زمین‌های الندشت عبور می‌کرده است. در این محدوده، تعداد معتنایهی یخچال ساخته بوده‌اند و به‌همین دلیل، می‌توان فرض کرد که تقی‌آباد هم از چنین زیرساختی برخوردار بوده است. از آنجاکه نام تقی‌آباد در کتابچه‌های آمار و ارقام عصر ناصرالدین‌شاه دیده نمی‌شود، می‌توان چنین برداشت کرد که مزرعه مذکور، فاقد قلعه و جمعیت دائمی بوده است و احتمالا زارعان آن در قلعه دیگر مزارع و یا جایی نزدیک دروازه‌ارگ در داخل پاروی مشهد سکونت داشته‌اند. در میان ساکنان محله سراب که دروازه ارگ مشهد به آن منتهی می‌شد، شغل «زارع» و «باغبان» کم نبود و این را می‌توان از متن «نفوس ارض اقدس» که گزارش سرشماری سال ۱۲۵۷ خورشیدی شهر مشهد است، دریافت؛ باین‌حال، این ادعا ثابت‌پذیر نیست و صرفا تحلیلی است که با اتکا به شواهد و عقل تاریخی ارائه می‌شود. تقی‌آباد در میان مزارع مشهوری مانند الندشت و دستجرد، موقعیت کاملا مستقلی داشت. در اسناد باقی‌مانده از دوره‌های تاریخی پیشین، مگر از این مزرعه به‌صورت مستقل نام برده شده است. قدمت بخش مهمی از این اسناد به دوره قاجاریه و بعضا عهد فتحعلی‌شاه و به‌ویژه محمدشاه قاجار باز می‌گردد. از دوره افشاریه نیز اسنادی درباره تقی‌آباد وجود دارد؛ علاوه بر مندرجات مذکور در موقوفه علیشاهی، سند اجاره بخشی از اراضی تقی‌آباد توسط «اقامحمد انباردار آستانه» امروزه در مجموعه اسناد آستان قدس نگهداری می‌شود که از نظر بررسی استقلال مزرعه تقی‌آباد از دو مزرعه بزرگ اطرافش، یعنی الندشت و دستجرد، در دوره افشاریه حائز اهمیت است.

- پارهای ایهامات تاریخی

باین‌حال، فقدان گزارش‌های درخور اعتنا از وضعیت این مزرعه می‌تواند تا حدی سؤال برانگیز باشد. برای پاسخ به این ابهام می‌توان به چند شاهد تاریخی اتکا و توجه کرد؛ نخست اینکه این مزرعه به‌صورت یکپارچه در اختیار کسی قرار نداشت و مالکان و مستأجران متعددی در آن حضور داشتند و طبعاً این رویکرد باعث انتساب گاه‌به‌گاه اراضی آن به افراد

- محدوده تقی‌آباد قدیم

نخستین پرسشی که درباره مزرعه تقی‌آباد به ذهن می‌رسد این است که موقعیت جغرافیایی آن کجاست؟ مهدی سیدی در کتاب «نگاهی به جغرافیای تاریخی شهر مشهد» می‌نویسد که «دروقف‌نامه علیشاه افشار (۱۱۶۱ه.ق) از باغ میمی واقع در تقی‌آباد در جنب باباقدرت یاد شده است که باید قدیمی‌ترین یادکرد از تقی‌آباد باشد.»

این گزارش به احتمال زیاد درست است. در منابع وقفی، مانند کتاب «آثارالرضویه» از «باغات مزرعه زرگران و باباقدرت» در کنار هم نام برده شده است که نشان می‌دهد باباقدرت جایی در میانه الندشت وزرگران قرار گرفته بوده و با تقی‌آباد هم مرز مشترک داشته است؛ باین‌حال، بررسی منابع وقفی دیگر، اطلاعات بیشتری را درباره موقعیت جغرافیایی تقی‌آباد در اختیار ما می‌گذارد.

در طومار عضدالملک (نوشته‌شده در سال ۱۲۳۳قمری/ ۱۲۲۶ خورشیدی) دست‌کم در دو مورد به نام مزرعه تقی‌آباد اشاره شده است؛ مورد نخست مربوط به تعریف حدود مزرعه دستجرد است که ما در یکی از سلسله‌یادداشت‌های این مجموعه، به‌طور مفصل به آن پرداخته‌ایم. در متن طومار، درباره حدود دستجرد آمده است؛ «حدی به اراضی الندشت/ حدی به خارج دروازه عیدگاه/ حدی به اراضی مزرعه تقی‌آباد/ حدی به خندق شهر بین ارگ و دروازه عیدگاه.» مورد دیگر، به حدود مزرعه الندشت اشاره می‌کند که درباره این مزرعه نیز پیش‌تر نوشتاری تقدیم علاقه‌مندان شد. در این بخش از طومار می‌خوانیم: «حدی به مزرعه سعدآباد وقفی مسجد جامع کبیر/ حدی به اراضی زرگران وقفی سرکار [فیض آثار]/ حدی به دیچه‌زار دامن کوهسنگی/ حدی به خندق شهر و تقی‌آباد و دستجرد.» با استفاده از این دو شاهد تاریخی، می‌توان گفت که مزرعه تقی‌آباد، از شرق به «دستجرد»، از جنوب شرقی به «خندق شهر و دروازه ارگ»، از غرب و جنوب غربی به «سعدآباد و زرگران» و از شمال به اراضی «الندشت» منتهی می‌شد؛ مزرعه‌ای نه‌چندان وسیع که اراضی آن از میدان دکتر شریعتی امروزی تا داخل خیابان دانشگاه و ابتدای خیابان فرعی «کفای» گسترش پیدا می‌کرد.

هر چند که در سندی از سال ۱۳۰۷ خورشیدی، به اتصال اراضی تقی‌آباد به «شفتالوزار» اشاره شده است که موقعیت امروزی آن، در حدود سه‌راه ادبیات قرار داشت و به سوی غرب توسعه پیدا می‌کرد (سند شماره ۸۱۴ در مرکز اسناد آستان قدس رضوی).

کبوترهای چاهی در صفه «خواجهربیع»

ترابی | مزار خواجهر بیع (مدفن منسوب به ربیع‌بن خثیم، از مشاهیر «تابعین» در شمال مشهد)، بنایی چهارطاقی است که قدمت آن به دوره صفویه می‌رسد. بر روی گنبد این مزار که طی دهه‌های اخیر به‌شکلی آبرومند بازسازی شده است، نشانی از دستور شاه عباس یکم برای بنای آن دیده می‌شود و افزون بر این، دو کتیبه مربوط به سال‌های ۲۶ و ۱۰۳۱ قمری -به خط علیرضا عباسی- نشان از دورانی می‌دهد که بنای فعلی پا گرفته است. چنین شهرت دارد که شاه‌عباس یکم برای ساخت بنای چهارطاقی بر روی مقبره خواجهربیع، با شیخ بهاء‌الدین عاملی، مشهور به شیخ بهایی، مشورت کرد. از آنجا که سال درگذشت شیخ، ۱۰۳۱ قمری است، این ادعا می‌تواند مقرون به‌صحت باشد؛ هر چند که باتوجه به انتساب بسیاری از امور عمرانی مشهد در عهد صفویه به شیخ بهایی و تشکیک قطعی در بخش مهمی از آن‌ها، باید درباره نقش داشتن شیخ بهایی در احداث مقبره خواجهربیع هم تردید کرد. می‌دانیم که چنین ادعایی درباره بنای گنبد سبزه‌نیز وجود دارد که باتوجه به کاربری و زمان ساخت آن، نمی‌توان به این ادعا اعتنا کرد.

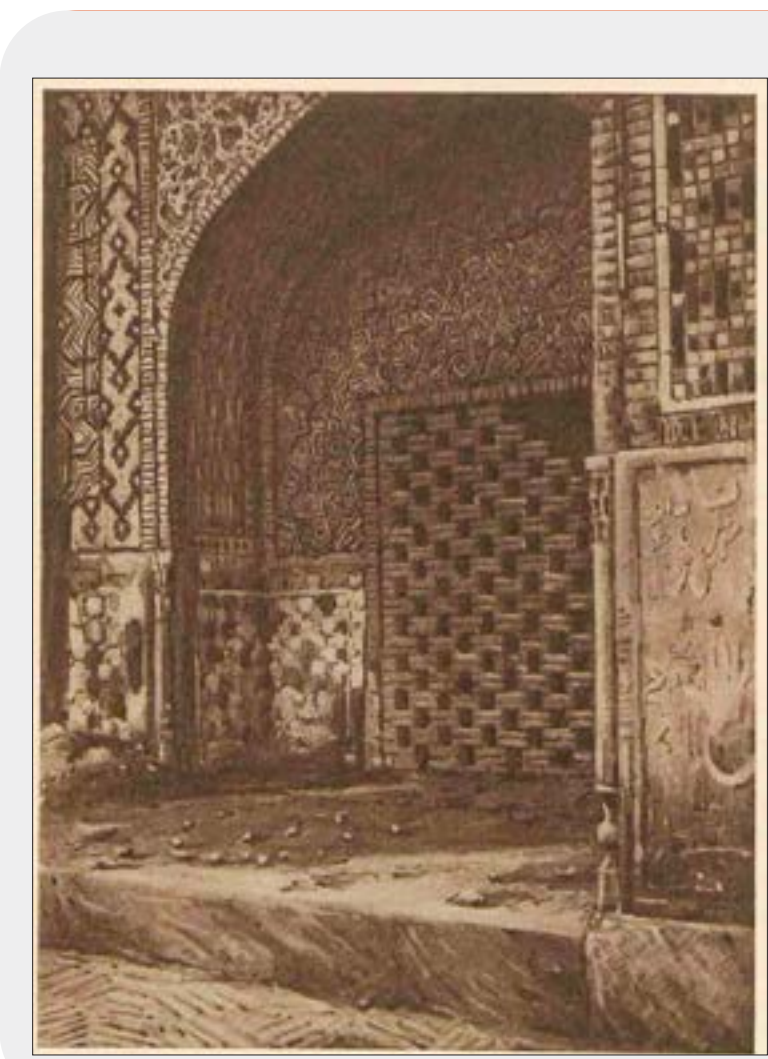
قدیمی‌ترین تصویر موجود از مقبره خواجهربیع را آنتونیو جانواری، افسر ایتالیایی در خدمت ارتش ایران، در سال ۱۳۳۹ خورشیدی تهیه کرده که در دسترس و موجود است. پس از این تاریخ، در عکس‌های زیادی از مقبره گرفته نشد. تا اینکه هانری رنه‌آلمانی، پژوهشگر و جهانگرد فرانسوی، در سال ۱۸۹۸ میلادی (۱۲۷۷ خورشیدی) ضمن



گوناگون یا مزارع بزرگ دیگری شد. به‌عنوان نمونه می‌توان از نقشه زمین استیجاری «آقای سیدالعراقین» یادکنیم که در محدوده باغ‌های تقی‌آباد قرار داشت و «حاج شیخ علی مهندس»، نقشه بردار وقت آستان قدس، در ۲۰ آذرماه ۱۳۱۰ خورشیدی نقشه آن را تنظیم کرد و در راهنمای آن نوشت: «زمین استیجاری آقای سیدالعراقین از اراضی تقی‌آباد والندشت... محدود است از شمال غربی به باغ‌های تقی‌آباد... از شمال غربی به زمین استیجاری ملک‌ها و توفیناس مسیحی...» (سند شماره ۸۱۴/۱۳ در مرکز اسناد آستان قدس رضوی). در متن این سند، اشاره به باغ‌های تقی‌آباد و نیز اجاره زمین به غیرمسلمانان در سال ۱۳۱۰ خورشیدی، قابل مطالعه و بررسی است. محصول باغ‌های تقی‌آباد، شامل درختان سیب، آلو و شفتالو (هلو) بود؛ البته در متن سندی مربوط به سال ۱۲۷۰ قمری/ ۱۲۳۳ خورشیدی به برداشت «بیدمشک» از باغ‌های تقی‌آباد اشاره شده است (سند شماره ۶۱۲۹ در مرکز اسناد آستان قدس رضوی)؛ هرچند نمی‌توان صحت انتصاب آن را به تقی‌آباد مورد بررسی این نوشتار محرز دانست.

- پیوستن به محدوده شهری مشهد

ارضی تقی‌آباد بعد از توسعه مشهد به سمت جنوب و جنوب غربی، به سرعت به فضای مسکونی شهر مشهد اضافه و در دهه ۱۳۴۰ خورشیدی به یکی از محلات نوپدید و مورد اقبال مشهدی‌ها تبدیل شد. در تصاویر هوایی مربوط به این دوره، هنوز منطقه تقی‌آباد بافت سرسبز خود را حفظ کرده است. در سال ۱۳۴۷ خورشیدی، آستان قدس رضوی یکی از نخستین باجه‌های گل‌فروشی خود را در میدان تقی‌آباد تأسیس کرد (سند شماره ۱۹۸۵۳۳ در مرکز اسناد آستان قدس رضوی). این میدان، به دلیل قرار داشتن در ورودی خیابان کوهسنگی که به یکی از مشهورترین تفرجگاه‌های مشهد ختم می‌شود، هم برای مشهدی‌ها و هم برای غیرمشهدی‌ها شناخته شده است. در حاشیه این میدان، قدیمی‌ترین هنرستان شهر مشهد، در سال ۱۳۱۸ خورشیدی پا گرفت؛ اما ساخت بنای آن تا ردیبهشت سال ۱۳۲۳ خورشیدی تمام نشد. دلیل این تأخیر، آغاز جنگ جهانی دوم و توقف عملیات عمرانی بود. در سال ۱۳۵۰ خورشیدی با تأسیس سینما «شهرفرنگ» (سینما آفریقای امروزی) بر روی اراضی تقی‌آباد و در زمینی واقع در جناح جنوب شرقی میدان، فضای این منطقه تغییر دیگری را تجربه کرد. امروزه میدان تقی‌آباد (دکتر علی شریعتی) به‌عنوان یکی از نقاط بسیار پرتردد شهر مشهد و محل تلاقی دو خط مترو شهر شناخته می‌شود.



سفر به ایران، از مشهد دیدن کرد و با سلیقه خاص خودش، تصاویری بسیار عالی از فضای اجتماعی شهر مشهد و نیز مکان‌هایی به غیر از حرم مطهر تهیه کرد. در میان تصاویر دآلمانی که در کتاب‌وی با عنوان «سفرنامه از خراسان تا بختیاری» انتشار یافته است، عکس‌هایی از فضای فرهنگی و دورنی محوطه و بنای خواجهربیع در مشهد وجود دارد. عکسی که در فتومشهد امروز می‌بینید، یکی از آن تصاویر است، عکسی که شاید در وهله اول چندان دقیق به نظر نرسد، اما بخشی از بنا را نشان می‌دهد که اکنون تغییر وضعیت داده و به‌شکل دیگری درآمده است.

در این عکس یکی از دیواره‌های مشبک متصل به صفه‌های بنا را می‌بینید که کبوترهای چاهی بر روی فضای مقابل آن دانه بر می‌چینند. آجرهای لعاب‌دار و کاشی‌کاری فوق‌العاده زیبایی بنا در این تصویر ۱۳۶ ساله به چشم می‌آید، با این حال آنچه چشم‌نوازی بیشتری می‌کند و شاید کمتر در دیگر تصاویر دیده می‌شود، سنگ‌های نصب‌شده در پایه بنا و نقش برجسته‌های روی آن‌ها است. در این تصویر، بخشی از دیواره یا بهتر بگوییم پنجره مشبک آجری، فرو ریخته است و از رسیدگی نشدن به بنایی خبر می‌دهد که برای خودش موقوفات خاص دارد. به نظر می‌رسد که در این دوره، کار پی‌آشفتنگی اوضاع اقتصادی و بروز قطعی، در موقوفه‌های مکان‌هایی مانند بقعه خواجهربیع هم دچار نقصان و به‌همین دلیل، مرمت و نگهداری بنا نیز با مشکل اساسی مواجه شده است.

کوتاه درباره پنجمین شاه قاجار که دو سوم عمرش را ولیعهد بود

روزگار شاه همیشه بیمار



فرخدا | امروز سالروز مرگ مظفرالدین شاه قاجار است. برابر تقویم هالین شاه قاجاری، هجدهم دی ماه سال ۱۲۸۵ خورشیدی، یعنی چندروز پس از امضای نظام‌نامه مشروطیت مرد. به گفته تاریخ‌نگاران او از بدو تولد همیشه بیمار و رنجور بود و در میان فرزندان ناصرالدین‌شاه گزینه مطلوب و محبوبی برای جانشینی شاه نبود با این همه، این شانس را پیدا کرد که تاج بر سر بگذارد، او برای بر سر گذاشتن این تاج، ۲۵ سال (تقریباً دوسوم عمرش) را در مقام ولیعهد و به‌دور از پایتخت و خانواده انتظار کشید؛ زیرا که شاه‌بابایش دستور داده بود او را از نوچوانی به تبریز ببرند. روایت است که ناصرالدین شاه در سفر به اروپا، از ملازمتانش می‌خواهد که چندساعتی را در تبریز توقف کنند تا او به دیدار ولیعهد برود. سلطان صاحبقران در این دیدار از پسر سی‌وچندساله‌اش می‌پرسد که احوالش چطور است و مظفرالدین نیز در جواب به انتظارش برای یادشاهی اشاره می‌کند و می‌گوید که «پیر شده‌ام قربان.» این پاسخ شاه را عجیب ناراحت می‌کند و سبب می‌شود ناصرالدین شاه چندنازها هم بار ولیعهدش کند اما حقیقت این است که مظفرالدین به سبب تن رنجور و بیماراش، وقتی می‌بیند که پدرش، ناصر، قصد مردن و واگذاری سلطنت را ندارد، از برسر گذاشتن تاج شاهی ایران ناامید می‌شود. آن چنان‌که در چهل سالگی وصیت‌نامه خودش را هم می‌نویسد و به پایتخت می‌فرستد؛ با این همه اما چهارسال بعد از تنظیم این وصیت‌نامه، گلوله‌ای که از تپانچه میرزا رضای کرمانی شلیک می‌شود، سرنوشت این ولیعهد قاجاری را تغییر می‌دهد و باعث می‌شود او در ۴۴ سالگی بالاخره تاج شاهی بر سر بگذارد و نامراد از دنیا نرود. مظفرالدین میرزا، شاه می‌شود اما یکی از ضعیف‌ترین شاهان ایران از نظر جسمی و فکری. خوب است بدانید که در عهد پادشاهی او، هیرمند در تعیین و تصفیه سرحدی سیستان و افغانستان از ایران جدا شد. عثمانی به خاک ایران تجاوز کرد و بحرین به استعمار انگلستان درآمد. علاوه بر این‌ها این شاه ضعیف امتیازهای بسیاری نیز به دول خارجی داد که همگی شان به ضرر و زیان ایران تمام شدند؛ تجدید امتیاز راه‌آهن به روسیه، اعطای امتیاز بانک به آلمان، امتیاز حفاری شوش و حمل همه آثار عتیقه و میراثی ایران به فرانسه در کنار بخشیدن امتیاز استخراج بخشی از معادن ایران به انگلستان تنها بخشی از این ضرر و زیان هاست. سزارتور هاردینگ، وزیر مختار انگلیس در ایران دوره قاجار، مظفرالدین شاه را این‌طور توصیف کرده است: «او از لحاظ فکری کودک سال خورده‌ای بیش نیست و از لحاظ جسمانی نیز چون نی‌کسته‌ای نحیف و ناتوان است.»

اخبار قدیمی

زمستان ۷۹ سال پیش، مردم با انواع بلا داشت و پنجه نرم می کردند

میراث جنگ جهانی دوم در مشهد

سیدی | مشهد سال ۱۳۲۴ خورشیدی به واسطه جنگ جهانی دوم و حضور روس و انگلیس در شهر با مشکلات بسیاری روبه‌روست. قحطی، گرسنگی، بی‌کاری و رواج بیماری‌های مختلف تنها بخشی از بدبختی‌هایی است که مردم این روزگار با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند. حالا حساب کنید توی این شرایط برف هم ببارد؛ خلق خدا در نبود سوخت و امکانات گرمایشی چه خواهند کشید؟! دسته‌دسته آدم است که می‌میرد. این را اخبار چاپ شده در جراید آن دوره می‌گویند. به‌ویژه از ۱۷ تا ۲۴ دی‌ماه که گویا مشهدی‌ها با سرمای سختی روبه‌رو می‌شوند. روزنامه راستی در خبری، دو حادثه را از یک شب نقل کرده که شرح آن چنین است: «به واسطه برفی که از ۱۷ دی‌ماه باریدن گرفته، شب شنبه، ۲۲ دی، در مسجد مروی‌ها، دختر هشت‌ساله‌ای از شدت گرسنگی و سرما فوت نموده و ظهر روز شنبه، عابرین و مردم آن حدود برای برداشتن جنازه او پول جمع می‌کردند. نظیر این اتفاق یکی دو تا نمی‌باشد. شبی نیست که چندین نفر از سرما یا گرسنگی و این شب‌ها در زیر سقف خانه‌هایی که از بارندگی خراب می‌شود، نمی‌میرند. این است نتیجه رژیم منحوس کنونی برای افراد این کشور.»

با فاصله یک روز از چاپ خبر مرگ این دختر، روزنامه راستی در خبری باتیتر «نمونه‌ای از زندگی مردم این کشور» چنین می‌نویسد: «ساعت ۷ صبح در خیابان تهران، پشت میدان دقیقی، منزل جنب غسال خانه سابق، اتاق فوقانی‌اش که مدتی خراب بود، در اثر بارش برف ویران شده و اتاق تحتانی را به‌کلی خراب نموده و از یک خانواده هفت نفری که در این اتاق تحتانی منزل داشته‌اند، سه فرزند آن‌ها به نام‌های علی اکبر هجده‌ساله، علی اصغر دوازده‌ساله و حسین هفت‌ساله فوت نموده و دیگران هم سخت مجروح شده‌اند.» مشکلات مردم مشهد در سال ۱۳۲۴ اما قصد تمام شدن ندارد و به اینجا ختم نمی‌شود. روز ۲۴ دی، همین روزنامه در یک گزارش کوتاه به موضوع آب‌الوده مشهد و شیوع بیماری‌های گوارشی در زمستان می‌پردازد و خطاب به شهرداری مشهد می‌نویسد: «بدیهی است که نخستین شرط زندگی برای هر ملتی حفظ سلامت و بهداشت مردم آن کشور بوده و بایستی نسبت به آن دقت کاملی به عمل آید و البته برای تندرستی اهالی، طرق مختلفه‌ای وجود دارد که تنها مجری آن شهرداری مشهد و مدیریت شهری است. شهر مشهد از نقطه نظر زیارتی و تجارتی یکی از شهرهای مهم این کشور بوده و به‌طور یقین در هر سال بیش از چندین هزار نفر از اهالی سایر استان‌ها و یا کشورهای دیگر به این شهر مسافرت می‌نمایند، بنابراین بایستی بهداشت این شهر بیش از شهرهای دیگر ایران مراعات شود و مورد دقت قرار گیرد که بدبختانه تاکنون نسبت به این موضوع از طرف مقامات مربوطه توجه لازم نشده است، مثلا یکی از طرق حفظ سلامتی مردم مراعات نظافت محوطه یخچال‌ها و یخ‌هایی است که در تابستان به مصرف اهالی می‌رسد که اکنون باید مورد نظر قرار داد. متأسفانه کثیف‌ترین و ناپاک‌ترین نقاط این شهر را همین بیغوله‌ها تشکیل می‌دهند. برای اطمینان از گفته من کافی است که فقط یک دفعه برای یک ربع ساعت وقت خود را صرف این موضوع نموده و به یکی از این بیغوله‌ها رفته و نگاه کنید. مطمئن باشید علاوه بر کثافتاتی که در داخل مجرای آب شسته می‌شود، همه‌گونه مدفوع انسان و حیوان و حتی لاشه بعضی حیوانات را در داخل محوطه ملاحظه خواهید فرمود و البته تصدیق می‌کنید که مؤثرترین راه شیوع امراض مختلفه آب‌الوده به کثافات است که بدبختانه به‌طوری که متذکر گردید، به هیچ‌وجه مراعات نظافت آن به عمل نمی‌آید. به این وسیله، نظر اولیای شهرداری را به این موضوع معطوف و تقاضا دارم دستور دهند در این قسمت دقت بیشتری مبذول گردد.»